

شناخت اقتصاد و تجارت کشورهای شمال قاره آفریقا و جایگاه آنها در اقتصاد جهانی

میر عبدالله حسینی

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

m.hosseini@itsr.ir

تقی هرمن

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

چکیده

این مقاله با هدف مطالعه شاخص‌های ارزیابی اقتصادی-تجاری کشورهای شمال قاره آفریقا و ارزیابی جایگاه آنها در اقتصاد جهانی، در یک دهه گذشته، نوشته شده است. در مقاله حاضر پس از ارزیابی شاخص‌های اقتصادی-تجاری کشورهای شمال آفریقا، قابلیت‌های این کشورها از جنبه‌های مختلف همچون جغرافیایی، جمعیت، محیط اقتصادی، اقتصاد و تجارت کالا و خدمات بررسی شده است. بررسی اطلاعات این کشورها نشان می‌دهد آنها می‌توانند در آینده به یکی از قطب‌های اقتصاد و تجارت در قاره آفریقا و خاورمیانه تبدیل شوند. برای نمونه مصر در میان این کشورها از موقعیت ممتازی در واردات گروه‌های اصلی خدمات برخوردار است که رقابت‌پذیری بالای این کشور را در گروه‌های اصلی خدمات (نُه گروه) نشان می‌دهد. در بسیاری از گروه‌های اصلی خدمات رقابت فشرده‌ای با تثبیت سهم و افزایش آن از طرف کشورهای مهم صادرکننده خدمات وجود دارد. همچنین، تحلیل مقاصد اصلی صادرات بسیاری از کشورهای شمال قاره آفریقا گویای این است که اولین و بزرگ‌ترین مقصد صادراتی آنها، اتحادیه اروپاست که به سبب مزیت نزدیکی جغرافیایی است. بررسی موقعیت این کشورها در گروه‌های کالایی اصلی صادراتی و وارداتی جهان نشان می‌دهد اولین گروه کالایی وارداتی آنها مواد غذایی، و اولین گروه کالایی صادراتی آنها سوخت‌ها می‌باشد. قلمرو جغرافیایی وسیع، جمعیت نسبتاً عظیم، اندازه اقتصاد نسبتاً بزرگ و رشد مناسب آن، تجارت کالا و به‌ویژه خدمات و

عوامل دیگر موجب پتانسیل اقتصادی-تجاری این کشورها شده است. بدون تردید، ایران نیز باید از این مزیت‌ها در جهت مناسبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی خود سود ببرد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد، تجارت کالا و خدمات، اقتصاد جهانی، کشورهای شمال آفریقا.

مقدمه

قاره آفریقا حدود ۲۰ درصد از وسعت خشکی‌های جهان و ۱۴ درصد از جمعیت جهان را داراست. ساختار اقتصادی ناهمگون، سطوح توسعه متفاوت، نظام‌های سیاسی مختلف و تنوع قومی و فرهنگی آشکاری در مقایسه کشورهای قاره آفریقا با یکدیگر وجود دارد. از میان ۵۴ کشور آفریقا، ۱۱ کشور ذخایر نفتی دارند که در مجموع ۸۷/۹ میلیارد بشکه است. از ۵۴ کشور قاره آفریقا، ۳۳ کشور با کمترین درجه توسعه‌یافتگی^۱ هستند که ۷۰ درصد کشورهای کمتر توسعه یافته جهان (۴۸ کشور) را شامل می‌شود. از ۵۴ کشور آفریقا، ۲۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند. در واقع، نزدیک به نیمی از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در قاره آفریقا قرار دارد که به جز کشورهای شمال آفریقا، بیشتر اعضا در گروه با کمترین درجه توسعه‌یافتگی قرار دارند (حسینی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، کشورهای شمال این قاره لنگرگاه اقتصاد و تجارت قاره آفریقا به شمار می‌آید و به سبب مزیت نزدیکی جغرافیایی، همسانی در اندازه اقتصاد و تجارت و مشترکات فرهنگی-اعتقادی، در تجارت با ایران در اولویت قرار دارند.

این مقاله با هدف مطالعه شاخص‌های ارزیابی اقتصادی-بازرگانی کشورهای شمال قاره آفریقا و ارزیابی جایگاه آن‌ها در اقتصاد جهانی نوشته شده است. منظور از جایگاه اقتصادی، مجموعه شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی است که موقعیت و جایگاه کشورهای شمال قاره آفریقا را به نمایش می‌گذارد. شاخص‌های ارزیابی اقتصادی-بازرگانی، مجموعه شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی ساده و ترکیبی است که موقعیت و جایگاه کشورهای مورد مطالعه و ایران را در جهان می‌نمایند. در انتخاب شاخص‌های ارزیابی اقتصادی، این ویژگی‌ها مورد توجه بوده است: ۱. تا حد ممکن کلان و کلی‌نگر باشد تا خرد و جزئی‌نگر؛ ۲. بین‌المللی باشد تا امکان مقایسه برای کشورها فراهم آید؛ ۳. در سطح بسیاری از کشورهای شمال قاره آفریقا در دسترس و یا قابل محاسبه باشد؛ ۴. در موارد جدلی (نظیر اندازه جمعیت و رشد آن) برای انتخاب شاخص‌های ارزیابی

1. Least Developed Countries (LDCs)

اقتصادی اعم از متغیرهای مقیاس، وضعیت و روند، در قالب سایر شاخص‌های مرتبط انعکاس یافته باشد.

شاخص‌های اقتصادی از سه دسته شاخص تشکیل شده است: ۱. شاخص‌های محیط اقتصادی مثل شاخص آزادی اقتصادی و شاخص توسعه انسانی؛ ۲. متغیرهای واقعی اقتصاد که شامل تولید ناخالص داخلی (GDP) براساس قدرت برابری خرید (PPP)، تولید ناخالص داخلی سرانه براساس قدرت برابری خرید، نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی و سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از تولید ناخالص داخلی است؛ ۳. متغیرهای بخش خارجی (تجاری) اقتصاد مانند سهم تجارت خارجی از کل تجارت جهانی، شاخص باز بودن اقتصاد (سهم مجموع تجارت خارجی از تولید ناخالص داخلی)، سهم صادرات کارخانه‌ای به کل صادرات و نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کل آن در جهان.

در این مقاله سعی شده است اقتصاد و تجارت کشورهای شمال قاره آفریقا بررسی، و سپس جایگاه منطقه‌ای و جهانی این کشورها در این قاره و قوت و ضعف اقتصاد و تجارت آن‌ها ارزیابی شود. آفریقا ۵۴ کشور دارد که از این تعداد، ۶ کشور در شمال آفریقا و بقیه در زیر صحرای قرار دارد. در این پژوهش، تمامی شش کشور شامل الجزایر، مصر، جمهوری عربی لیبی، مغرب، سودان و تونس بررسی شده است.

۱. محیط اقتصادی

۱-۱. اوضاع و فاصله جغرافیایی

در بسیاری از گروه‌بندی‌های منطقه‌ای اعضا از نظر جغرافیایی به هم نزدیک‌اند، گو اینکه جغرافیای اقتصادی می‌تواند تغییر یابد. با این حال، تغییر هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل‌ونقل (زمینی، آبی و هوایی) می‌تواند معادلات را درباره اهمیت فاصله زمینی، آبی و غیره بین اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای به هم زند. کاهش هزینه متوسط حمل‌ونقل در مقایسه با سایر هزینه‌ها، باعث کاهش هزینه گسترش یک گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود. با وجود این، نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل‌ونقل تنها عوامل تعیین‌کننده در تعیین اعضای گروه‌بندی منطقه‌ای نیستند و هزینه حمل‌ونقل فقط جزئی از هزینه‌های معاملاتی است و بسته به تعداد مراکز تولید و سطوح مختلف توسعه طرف‌های بالقوه، هزینه معامله با آن‌ها تفاوت دارد.

نزدیکی جغرافیایی کشورها نه تنها می‌تواند باعث آسانی و ارزان‌تر شدن معاملات اقتصادی آن‌ها شود، بلکه ممکن است پدیدآور برخی ویژگی‌های اقتصادی مشترک از نظر منابع، آب و هوا و غیره بین این کشورها نیز باشد. در بیشتر گروه‌بندی‌های منطقه‌ای، اعضا اغلب در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند؛ اما در تعداد زیادی از این گروه‌بندی‌ها دست‌کم برخی از اعضا فاصله‌ای نسبتاً دور با دیگر اعضا دارند، به گونه‌ای که نمی‌توان فاصله جغرافیایی را پدیده غیرمعمولی در گروه‌بندی‌های جغرافیایی دانست. یکی از ابعاد قابل توجه در بررسی فرایند ادغام^۱، پتانسیل اقتصادی^۲ مناطق است. پتانسیل اقتصادی هر منطقه ارزیابی اندازه بازارهای مناطق بر اساس درآمدهای بالقوه بازار آن‌هاست که توسط هزینه‌های دسترسی به این مناطق تعدیل می‌شود. روش پتانسیل اقتصادی را ابتدا کلارک^۳ (۱۹۶۹م) عرضه کرد، سپس کیبل^۴ (۱۹۸۲-۱۹۸۸م) آن را توسعه داد. بنابراین، اگر منطقه J دارای درآمد منطقه‌ای Y_J باشد و هزینه‌های حمل‌ونقل بین مناطق J و I را با C_{ij} نشان دهیم، پتانسیل اقتصادی منطقه I به وسیله درآمدهای تمام مناطق دیگر J تعیین می‌شود که با هزینه فاصله بین آن‌ها (C_{ij}) تعدیل می‌شود: $P_i = Y_j f(C_{ij})$

هزینه‌های حمل شامل کل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم است. (از جمله تراکم و زمان انتظار و عبور از مرزهای جغرافیایی که مستلزم تعرفه و بازرسی‌ها/ تشریفات گمرکی است). کلارک و کیبل توانستند تغییرات مطلق افزایش پتانسیل اقتصادی ناشی از حذف تعرفه هنگام تشکیل اتحادیه گمرکی معاهده^۵ رم^۵ را پیش‌بینی کنند و توزیع منافع حاصل از آن را در قسمت‌های مختلف اتحادیه نشان دهند.

برای تفسیر نتایج اقتصادی، بررسی دو تغییر اساسی در طی زمان ضروری است: ۱. تغییر در سطح مطلق پتانسیل اقتصادی مناطق؛ ۲. تغییر در پتانسیل اقتصادی نسبی هر منطقه نسبت به بالاترین پتانسیل در منطقه.

کیبل نشان داد فرایند ادغام و بهبود امکانات دستیابی به مناطق به ایجاد منطقه مرکزی^۶ کمک می‌کند و پتانسیل اقتصادی نسبی مناطق پیرامونی^۷ کاهش می‌یابد؛ اما

1. The Process of Integration
2. Economic Potential
3. Clark
4. Keeble
5. Treaty of Rome
6. Central Regions
7. Peripheral Regions

توسعه ادغام باعث افزایش مقادیر مطلق بیشتری برای مناطق پیرامونی جدید می‌شود، در صورتی که برای مناطق مرکزی تر افزایش مطلق کمتری به دست می‌آید (همان). در مورد فاصله، آزمون تجربی گریش^۱ (۱۹۴۹) بین کشورهای اروپایی نشان داد فاصله، قسمت اصلی انحرافات دیده شده در جریان‌های تجاری بین کشوری (به جز انگلستان) را توضیح می‌دهد. گفتنی است در مورد انگلستان به دلیل ارزان بودن نسبی هزینه حمل و نقل دریایی، نقش هزینه‌های حمل و نقل کم رنگ می‌شود. بکرمن^۲ (۱۹۵۶ م) نشان داد فاصله جغرافیایی بین کشورها اهمیت متفاوتی برای آن‌ها دارد. او در بررسی‌ای درباره همبستگی رتبه‌ای میان فاصله و جریان‌های واردات و صادرات برای کشورهای اروپایی طی سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۵۳ م، نشان داد این ارتباط برای کشورهای کوچک مانند بلژیک قوی تر بوده است. این ارتباط با نتایج گریش برای انگلستان- آن هم در سطح پایین تری نسبت به سایر کشورها- همسو بود (همان).

با این توضیحات چنین می‌نماید هرچه فاصله جغرافیایی کشورها افزایش یابد، پتانسیل تجاری و امکان مبادله دوجانبه میان آن‌ها کمتر می‌شود و برعکس هرچه کشورها در منطقه جغرافیایی نزدیک به هم قرار داشته باشند، مبادلات تجاری میان آن‌ها افزایش می‌یابد. با توجه به این توضیحات، تصور می‌شود روابط تجاری ایران با کشورهای شمال آفریقا از دیگر مناطق این قاره گسترده تر باشد.

۲-۱. اندازه جمعیت

اندازه جمعیت یکی از عوامل مهم در مطالعه کشورها و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای است؛ زیرا با پشتوانه قدرتی که برای کشورها پدید می‌آورد، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. براساس این، اندازه جمعیت اعضای این گروه‌بندی‌ها اشکال مختلفی به آن‌ها می‌دهد: گاه کشوری در منطقه از نظر جمعیتی کاملاً چیره است و گاه وزن کشور مسلط به وسیله مجموع وزن سایر اعضا خنثی می‌شود. علاوه بر این، وزن کشورها را نباید فقط با جمعیت آن‌ها سنجید، بلکه به درآمد آن‌ها نیز باید توجه کرد. مسئله مهم دیگر، اندازه کل جمعیت اعضای منطقه است؛ زیرا جمعیت یک گروه‌بندی بر ساختار و پایداری آن، و وزن و نقش آن در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.

1 . Giersh

2 . Beckerman

۱. قاره آفریقا با دارا بودن جمعیت ۸۷۶/۸ میلیون نفر، ۱۳/۷۲ درصد از جمعیت جهان را در سال ۲۰۰۴م در خود جای داده است. این قاره از نظر اندازه جمعیت یکی از بازیگران اصلی است و وزن مهمی در میان سایر قاره‌ها دارد. از این جمعیت، ۶۸۹/۶ میلیون نفر معادل ۷۸/۶۵ درصد در زیر صحرا، و ۱۸۷/۲ میلیون نفر معادل ۲۱/۳۵ درصد در شمال آفریقا ساکن‌اند. برآورد می‌شود جمعیت آفریقا در سال ۲۰۱۵م به ۱/۱ میلیارد نفر افزایش یابد که با توجه به میزان رشد ۲/۱ درصد بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۵م در مقایسه با میزان رشد ۱/۱ درصدی جمعیت جهان، سهم آفریقا از جمعیت جهان به ۱۵/۲۶ درصد در سال ۲۰۱۵م افزایش می‌یابد.

۲. از میان کشورهای شمال قاره آفریقا در سال ۲۰۰۴م، بیشترین اندازه جمعیت به کشورهای مصر (۷۲/۶ میلیون نفر معادل ۸/۲۸ درصد)، سودان (۳۵/۵ میلیون نفر معادل ۴/۰۵ درصد) و الجزایر (۳۲/۴ میلیون نفر معادل ۳/۷ درصد) تعلق دارد. این سه کشور در مجموع ۱۴۰/۵۵ میلیون نفر معادل ۱۶/۰۳ درصد از کل جمعیت قاره آفریقا را در خود جای داده‌اند.

جدول ۱: روندهای جمعیتی کشورهای شمال قاره آفریقا در دوره‌های ۱۹۷۵، ۲۰۰۴ و برآورد ۲۰۱۵م

شرح	وسعت (هزار کیلومتر مربع)	تراکم ^[۱]	جمعیت (میلیون نفر)		نرخ رشد سالانه جمعیت (%)	
			۲۰۰۴	۲۰۱۵	۱۹۷۵-۲۰۰۴	۲۰۰۴-۱۵
جهان	۱۳۶۰۲۶/۲	۴۷	۴۰۷۳/۷	۶۳۸۹/۲	۷۲/۱۹	۱/۶
درحال توسعه	۸۰۸۳۸/۵	۶۳	۲۹۶۷/۱	۵۰۹۳/۶	۵۸۸۵/۶	۱/۹
ج.۱: ایران	۱۶۴۸/۲	۴۲	۳۳/۳	۶۸/۸	۷۹/۹	۲/۵
آفریقا	۳۰۲۵۰/۱	۲۹	۳۱۳/۱	۶۸۹/۶	۸۷۷/۲	۲/۷
۱- الجزایر	۲۳۸۱/۷	۱۶	۱۶	۳۲/۴	۳۸/۱	۲/۴
۲- مصر	۱۰۰۱/۴	۷۳	۳۹/۳	۷۲/۶	۸۸/۲	۲/۱
۳- لیبی	۱۷۵۹/۵	۳	۲/۴	۵/۷	۷	۲/۹
۴- مغرب	۴۴۶/۶	۶۹	۱۷/۳	۳۱	۳۶/۲	۲
۵- سودان	۲۵۰۵/۸	۱۴	۱۷/۱	۳۵/۵	۴۴	۲/۵
۶- تونس	۱۶۳/۶	۶۲	۵/۷	۱۰	۱۶/۱	۲

(UNDP, Human Development Report2006 Human Development Indicators, 2006pp : 297-30 UNCTAD, PP : 316-32].

۳. پیش‌بینی می‌شود بسیاری از کشورهای آفریقا طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۵ م رشد جمعیت چشمگیری داشته باشند. در این میان، بسیاری از کشورهای شمال قاره آفریقا توانسته‌اند جمعیت خود را کاهش دهند. در واقع میزان جمعیت طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۵ م نسبت به ۲۰۰۴-۱۹۷۵ م با کاهش چشمگیری روبه‌رو خواهد شد. با این همه، پیش‌بینی می‌شود با همین میزان رشد نیز سهم جمعیتی کشورهای قاره شمال آفریقا از کل جمعیت جهان بیشتر شود.

۴. سرانجام اینکه هرگز نبایست وزن کشورها یا مناطق را فقط با جمعیت آن‌ها ارزیابی کرد، بلکه این معیار در کنار قدرت اقتصادی و اندازه اقتصاد کشورها بیشتر مفهوم می‌یابد که در ادامه مقاله بدان پرداخته می‌شود.

۳-۱. شاخص توسعه انسانی

برای ارزیابی توسعه کشورها در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، شاخص‌های مختلفی معرفی شده که یکی از جدیدترین و کامل‌ترین آن‌ها، شاخص توسعه انسانی است. این شاخص نخستین بار در سال ۱۹۹۰ م در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد استفاده شد و از آن زمان، مورد توجه قرار گرفت. در این شاخص، توسعه انسانی فرایندی است که دامنه حق انتخاب مردم را می‌گسترده؛ اما طی زمان و در هر سطحی از توسعه، سه عامل یا گزینه ضروری برای مردم ملاک قرار می‌گیرد: رسیدن به زندگی طولانی و توأم با سلامت (امید به زندگی)، کسب علم و دانش (شاخص باسوادی) و دسترسی به منابع مورد نیاز و سطحی از زندگی مناسب و شایسته (قدرت خرید پایه). در صورت نبود این گزینه‌های ضروری، دسترسی به بسیاری از فرصت‌های دیگر ناممکن می‌شود. شاخص توسعه انسانی برای تمامی کشورهای شمال قاره آفریقا (برای کشورهای آفریقای جنوبی) که آمارشان در دسترس بود) از جدیدترین گزارش توسعه انسانی برای سال ۲۰۰۶ م در جدول شماره ۲ درج شده است.

جدول ۲: شاخص توسعه انسانی کشورهای قاره آفریقا و اجزای آن

شرح	شاخص توسعه انسانی		امید به زندگی	نرخ باسوادی بزرگسالان	GDP سرانه	تفاوت رتبه HDI
	رتبه	ارزش				
	۲۰۰۴	۲۰۰۴	۲۰۰۴	۲۰۰۴	۲۰۰۴	۲۰۰۴
جهان	..	۰/۷۴۱	۶۷/۳	..	۸۸۳۳	..
درحال توسعه	..	۰/۶۷۹	۶۵/۲	۷۸/۹	۴۷۷۵	..
ج.ا.ایران	۹۶	۰/۷۴۶	۷۰/۷	۷۷	۷۵۲۵	-۲۴
توسعه انسانی پایین	..	۰/۴۲۷	۴۵/۸	۵۷/۹	۱۱۱۳	...
آفریقا (زیر صحرا)	..	۰/۴۷۲	۴۶/۱	۶۳/۳	۱۹۴۶	..
۱. الجزایر	۱۰۲	۰/۷۲۸	۷۱/۴	۶۹/۹	۶۶۰۳	-۱۹
۲. مصر	۱۱۱	۰/۷۰۲	۷۰/۲	۷۱/۴	۴۲۱۱	-۲
۳. لیبی	۶۴	۰/۷۹۸	۷۳/۸	..	۷۵۷۰	+۷
۴. مغرب	۱۲۳	۰/۶۴۰	۷۰	۵۲/۳	۴۳۰۹	-۱۵
۵. سودان	۱۴۱	۰/۵۱۶	۵۶/۵	۶۰/۹	۱۹۴۹	-۲
۶. تونس	۸۷	۰/۷۶۰	۷۳/۵	۷۴/۳	۷۷۶۸	-۱۸

(UNDP, Human Development Report 2006 Human development indicators, 2006 pp 283 -287)

از لحاظ شاخص توسعه انسانی، پنج کشور از شش کشور شمال قاره آفریقا که شاخص توسعه انسانی بالاتری (داخل پرانتز به ترتیب ارزش عددی شاخص توسعه انسانی و رتبه آن را در جهان نشان می‌دهد) دارند عبارت‌اند از: لیبی (۰/۷۹۸ و ۶۴)، تونس (۰/۷۶۰ و ۸۷)، الجزایر (۰/۷۲۸ و ۱۰۲)، مصر (۰/۷۰۲ و ۱۱۱) و مغرب (۰/۶۴۰ و ۱۲۳). درخور توجه است شاخص توسعه انسانی دو کشور لیبی و تونس به مراتب بهتر از شاخص توسعه انسانی ایران است و ایران با کسب ارزش عددی ۰/۷۴۶ و رتبه ۹۶ شاخص توسعه انسانی در جهان، هم‌ردیف کشور الجزایر (۱۰۲) قرار دارد. در واقع، کشورهای لیبی، تونس و الجزایر از وضعیت بهداشتی، آموزشی و درآمدی مناسبی در مقایسه با دیگر کشورهای شمال آفریقا برخوردارند.

۴-۱. شاخص آزادی اقتصادی

طی دو دهه گذشته، بسیاری از کشورهای جهان از جهانی شدن اقتصاد متأثر شده‌اند. فراگیری توسعه تجارت بین الملل به گونه‌ای اتفاق افتاده که گسترش رقابت بین المللی بین کشورهای صنعتی را از یک سو و کشورهای صنعتی و اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده را از دیگر سو به دنبال داشته است. جهانی شدن در سلیقه‌ها، سرمایه گذاری و تجارت بین الملل و حتی در بازار نیروی کار اثر گذاشته و رقابت بین الملل را گسترش داده است.

بنیاد هری تیج وابسته به *وال استریت ژورنال* سالانه شاخص آزادی اقتصادی کشورها را برآورد می کند. این مجله در سال ۲۰۰۷م شاخص آزادی اقتصادی ۱۵۷ کشور جهان را گزارش کرده است. جدول شماره ۳، شاخص آزادی اقتصادی (امتیاز کل و رتبه) و اجزای ده گانه آن را برای کشورهای شمال قاره آفریقا در سال ۲۰۰۷م نشان می دهد. ده شاخص شامل تجارت، بودجه، دخالت دولت، سیاست پولی، سرمایه گذاری خارجی، بانکداری و تأمین مالی، دستمزدها و قیمت‌ها، حقوق مالکیت فکری، تنظیم مقررات و بازار سیاه است که به عنوان معیارهای ده گانه این شاخص مورد توجه می باشد. براساس این گزارش، ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی که بین صفر و ۱۰۰ قرار دارد، در پنج گروه به این شرح دسته بندی شده است:

۱. اقتصادهای آزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۸۰ و ۱۰۰ است. هیچ اقتصادی از کشورهای مورد مطالعه در شمال قاره آفریقا در این گروه قرار ندارد.

۲. اقتصادهای عمدتاً آزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۷۰ و ۷۹/۹ است. هیچ اقتصادی از کشورهای شمال قاره آفریقا در این گروه جای ندارد. بدین ترتیب، از شش کشور شمال قاره آفریقا هیچ اقتصاد آزاد و یا عمدتاً آزادی وجود ندارد که در تمام و بسیاری از معیارهای ده گانه تشکیل دهنده شاخص آزادی اقتصادی وضعیت مناسب و مطلوبی داشته باشد.

۳. اقتصادهای نسبتاً آزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۶۰ و ۶۹/۹ است که ۴۹ کشور جهان در این گروه قرار دارند. از شش کشور نام برده تنها تونس (۶۱) در این گروه جای دارد.

۴. اقتصادهای عمدتاً غیرآزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۵۰ و ۵۹/۹ است. سه کشور از اقتصادهای شمال آفریقا: مصر، الجزایر و مغرب در این گروه جای دارند.

۵. اقتصادهای غیرآزاد یا سرکوب‌شده: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین صفر و ۴۹/۹ است. براساس این گزارش، از اقتصادهای شمال آفریقا، لیبی (۳۴/۵) اقتصاد سرکوب شده است.

جدول ۳: شاخص آزادی اقتصادی (IEF) و نماگرهای آن در سال ۲۰۰۷م

کشورها	شاخص آزادی اقتصادی		تنظیم مقررات	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سیاست پولی	سرمایه‌گذاری خارجی	تأمین مالی	حقوق مالکیت	بازار کار	بازار سهام
	رتبه	ارزش عددی										
الجزایر	۱۳۴	۵۲/۲	۷۳/۷	۵۶/۰	۸۲/۶	۴۷/۹	۸۰/۶	۵۰	۲۰	۳۰	۲۸/۰	۵۳/۷
مصر	۱۲۷	۵۳/۲	۳۹/۹	۵۲/۲	۹۳/۶	۷۳/۶	۶۹/۰	۵۰	۳۰	۴۰	۳۴/۰	۴۹/۸
ایران	۱۵۰	۴۳/۱	۵۴/۹	۵۰/۴	۸۴/۸	۵۹/۸	۶۱/۳	۱۰	۱۰	۱۰	۲۹/۰	۶۱/۲
لیبی	۱۵۵	۳۴/۵	۲۰/۰	۲۹/۶	۸۷/۸	۲۳/۵	۷۸/۹	۳۰	۲۰	۱۰	۲۵/۰	۲۰/۰
مغرب	۹۶	۵۷/۴	۷۴/۳	۵۱/۰	۷۵/۵	۷۶/۳	۸۳/۳	۷۰	۴۰	۳۰	۳۲/۰	۴۱/۹
تونس	۶۹	۶۱/۰	۷۸/۳	۶۱/۸	۸۰/۸	۸۲/۱	۸۰/۰	۳۰	۳۰	۵۰	۴۹/۰	۶۷/۹

(<http://www.heritage.org/research/features/index/downloads.cfm>)

بدین ترتیب، سه کشور از شمال قاره آفریقا که بیشترین درجه آزادی اقتصادی را دارند، عموماً از سیاست پولی، بانکداری، عدم دخالت دولت، بودجه‌ریزی و بخش خارجی توسعه‌یافته‌تری در مقایسه با دیگر کشورها برخوردارند. درمقابل، بسیاری از کشورها پایین‌ترین درجه آزادی اقتصادی، و ضعیف‌ترین حقوق مالکیت فکری، مقررات، بانکداری و سرمایه‌گذاری خارجی در جهان و کشورهای شمال قاره آفریقا را دارا هستند.

ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی ایران ۴۳/۱ و در ردیف صدوپنجاهم کشورهای جهان قرار دارد که در مقایسه با ۶ کشور واقع در شمال قاره آفریقا هم‌ردیف شاخص آزادی اقتصادی لیبی است. ایران در بسیاری از مؤلفه‌های این شاخص از جمله سرمایه‌گذاری خارجی، تأمین مالی و حقوق مالکیت وضعیت غیررقابتی و ضعیفی دارد.

۲. عملکرد متغیرهای بخش واقعی اقتصاد کشورهای شمال قاره آفریقا

۲-۱. اندازه اقتصاد

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام بین گروهی از کشورها استفاده کرد، اندازه تولید ناخالص ملی کشورهاست. زمانی که کشورها از نظر اندازه اقتصاد GDP به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آن‌ها افزایش می‌یابد (Helpman, 1987). برای نمونه، اگر دنیایی را تصور کنیم که فقط سه کشور دارد و GDP مجموع سه کشور ۱۲۰ است، یعنی به ترتیب ۱۰، ۱۰، ۱۰۰ باشد، حداکثر مقدار صادرات در این دنیا چهل خواهد بود؛ یعنی وقتی که کشورهای کوچک تمام GDP خود را صادر و مقدار مساوی وارد کنند. اما اگر GDP هر کشور چهل باشد، حداکثر میزان صادرات در این سه کشور ۱۲۰ خواهد بود. بنابراین، وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصادی به هم نزدیک باشند، واردات تولیدات متنوع‌تر بیشتر می‌شود. نتایج تجربی این معیار برای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ تأیید شده است (حسینی، ۱۳۸۶).

آنچه در جدول شماره ۴ به‌عنوان شاخص میزان تورم کشورهای شمال آفریقا - به‌منظور ارزیابی عملکرد این کشورها- درج شده، از این قرار است: تولید ناخالص داخلی (برحسب میلیارد دلار آمریکا و میلیارد دلار بر حسب قدرت برابری خرید PPP)، تولید ناخالص داخلی سرانه (برحسب دلار آمریکا و دلار بر حسب قدرت برابری خرید)، متوسط نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه طی دو دوره زمانی ۱۹۷۵-۲۰۰۴ و ۱۹۹۰-۲۰۰۴م، بالاترین ارزش تولید ناخالص داخلی سرانه برحسب قدرت برابری خرید و سرانجام متوسط تغییر سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده برای دو دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۴ و ۲۰۰۳-۲۰۰۴م. به سبب اهمیت سه شاخص ارزیابی عملکرد اقتصادی: تولید ناخالص داخلی بر حسب قدرت برابری خرید، تولید ناخالص سرانه بر حسب قدرت برابری خرید و میزان تورم کشورهای منطقه، این موضوع دقیق‌تر توضیح داده شده است. براساس داده‌های جدول این نتایج به‌دست می‌آید:

۱. تمام تولید ناخالص داخلی کشورهای قاره آفریقا در سال ۲۰۰۴م، ۷۹۰/۳ میلیارد دلار آمریکا و ۲۱۲۲ میلیارد دلار برحسب قدرت برابری خرید بوده است که سهم تولید ناخالص داخلی این کشورها از تولید جهانی برای سال ۲۰۰۴م به ترتیب ۱/۹۳ و ۳/۷۹ درصد بوده که در مقایسه با سهم آن‌ها از جمعیت جهانی به مراتب کمتر است.

۲. کل تولید ناخالص داخلی کشورهای شمال قاره آفریقا در سال ۲۰۰۴م، ۲۹۱/۸ میلیارد دلار آمریکا و ۷۹۴/۵ میلیارد دلار برحسب قدرت برابری خرید بوده است که سهم تولید ناخالص داخلی این کشورها از تولید جهانی برای سال ۲۰۰۴م به ترتیب ۰/۷۱ و ۱/۴۲ درصد بوده است. این رقم در مقایسه با سهم آنها از جمعیت جهانی کمتر است. در میان کشورهای شمال قاره آفریقا، بیشترین تولید ناخالص داخلی (برحسب میلیارد دلار به PPP) از آن سه کشور شمال قاره آفریقا شامل مصر (۳۰۹/۹ معادل ۱۴/۶ درصد)، الجزایر (۲۱۳/۷ معادل ۱۰/۰۷ درصد) و مغرب (۱۲۸/۵ معادل ۶/۶۰ درصد) بوده است. این سه کشور در مجموع قسمت اعظم تولید ناخالص داخلی شمال قاره آفریقا (۸۲ درصد) را تشکیل می‌دهند.

۳. از لحاظ مشابهت اقتصادی، اندازه تولید ناخالص داخلی کشورهای مصر و تاحدودی الجزایر و مغرب به اقتصاد ایران نزدیک است و این یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی است که می‌تواند در برآورد ظرفیت تجاری و توسعه مناسبات اقتصادی دوجانبه ایران با این کشورها به کار آید.

۲-۲. تولید ناخالص داخلی سرانه

تولید ناخالص داخلی (ملی) سرانه از دو نظر اهمیت دارد: اول اینکه ضابطه و معیار توسعه اقتصادی به شمار می‌آید، معیار مناسبی برای مشخص کردن اوضاع اقتصادی مردم آن کشور است و می‌تواند تاحدودی قدرت خرید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نشان دهد؛ دوم اینکه تولید سرانه در واقع همان درآمد سرانه است و از این نظر نشان‌دهنده قدرت بالفعل تولید سالانه اقتصادی هر یک از افراد کشور است.

از نظر تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و تولید کل، در میان گروه‌بندی‌های منطقه‌ای تفاوت و تنوع زیادی وجود دارد؛ اما این تفاوت در مورد درآمد سرانه به نسبت کمتر است. برای ارزیابی اهمیت گروه‌بندی منطقه‌ای برای اقتصاد جهانی و اعضای آن گروه‌بندی، باید هر دو معیار جمعیت و تولید را باید در نظر گرفت. همچنین اندازه این گروه‌بندی نسبت به کشورهای عضو آن مورد توجه قرار گیرد؛ حتی وقتی یک گروه‌بندی منطقه‌ای «کوچک» است، آیا آن قدر بزرگ‌تر از اعضای خود است که همکاری گروه جمعی باعث افزایش چشمگیر قدرت آنها شود؟

تولید ناخالص داخلی سرانه [۲] کشورهای شمال آفریقا به دو روش دلار آمریکا و PPP در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. براساس داده‌های آماری این جدول، بیشترین تولید سرانه برحسب PPP به تونس (۷۷۶۸) و الجزایر (۶۶۰۳) تعلق دارد که بیش از ۵ هزار دلار برحسب PPP بوده است [۳]. بر مبنای این شاخص، هرچه کشوری

GDP سرانه بیشتری داشته باشد، از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار است و نیز هرچه GDP سرانه شباهت بیشتری داشته باشد، امکان توسعه تجارت میان اقتصادهای با تولید سرانه مشابه تر بیشتر است. بنابراین، با توجه به اینکه GDP سرانه ایران ۷۵۲۵ دلار برحسب PPP است، امکان توسعه تجارت دوجانبه ایران با تونس، الجزایر، مصر و مغرب به مراتب بیشتر از سایر کشورهای مورد مطالعه است.

۳-۲. رشد تولید ناخالص داخلی سرانه

رشد اقتصادی پدیده‌ای کمی است و نتیجه آن افزایش میزان تولید واقعی است. در شرایط ثابت بودن جمعیت، رشد تولید سرانه معیار اندازه‌گیری آن به‌شمار می‌آید. براساس داده‌های آماری، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه این کشورها در چهار گروه بیان شده است:

۱. اقتصادهای با رشد بالا و متوسط به بالا: در این گروه کشورهای قمری قرار دارد که رشد تولید ناخالص داخلی سرانه آن‌ها بیش از ۵ درصد است. در این گروه هیچ کشوری از شمال آفریقا به چشم می‌خورد.

۲. اقتصادهای با رشد متوسط (هم‌سطح متوسط در حال توسعه): در این گروه کشورهای دیده می‌شود که رشد تولید ناخالص داخلی سرانه آن‌ها کمتر از ۵ و بیش از ۲/۵ درصد است. در این گروه نیز سه اقتصاد از کشورهای شمال آفریقا: تونس، سودان و مصر قرار دارد.

۳. اقتصادهای با رشد متوسط به پایین: در این گروه کشورهای قمری قرار دارد که رشد تولید ناخالص داخلی آن‌ها کمتر از ۲/۵ و بیش از ۱ درصد است. تنها کشور مغرب در این گروه جای می‌گیرد.

۴. اقتصادهای با رشد پایین و حتی منفی: در این گروه کشورهای قمری قرار دارد که رشد GDP سرانه آن‌ها برحسب PPP کمتر از ۱ درصد (و حتی منفی) است. فقط الجزایر در این گروه قرار دارد. در این گزارش اطلاعات کشور لیبی نیامده است.

۴-۲. سطح عمومی قیمت‌ها: شاخص میزان تورم

دو ستون آخر جدول شماره ۴ میزان تورم را در کشورهای آفریقا در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۳ و ۲۰۰۳-۲۰۰۴ نشان می‌دهد. براساس داده‌های این دو ستون، سطح عمومی قیمت‌های مصرفی در فاصله زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۴م در سودان و مصر رشد شتابان و بی‌رویه‌ای (عدد دو رقمی) داشته است؛ اما در سال‌های اخیر، پیوسته آهنگ رشد

قیمت‌ها در این کشورها کندتر شده است. با این حال، با وجود کاهش آهنگ رشد قیمت‌ها، همچنان رقم آن برای مصر دو رقمی و بالاست.

جدول ۴: عملکرد اقتصادی کشورهای شمال قاره آفریقا و اجزای آن

شرح	GDP		نرخ رشد سالانه %		GDP سرانه		CPI	
	سال	PPPS	۹۰-۲۰۰۴	۷۵-۲۰۰۴	PPPS	US\$	۹۰-۲۰۰۴	۷۵-۲۰۰۴
جهان	۱/۴	۱/۴	۸۸۳۳	۶۵۸۸	۵۵۹۷/۱۳	۴۰۸۵۰/۴
در حال توسعه	۳	۲/۴	۴۷۷۵	۱۶۸۵	۲۴۱۲۷/۹	۸۴۴۶/۵
ج. ا. ایران	۱۳/۸	۲۲	۱۹۷۶	۸۶۷۹	۲/۳	-۱/۱	۷۵۲۵	۲۴۴۹
توسعه انسانی پایین					-۱/۲	-۱/۷	۱۱۱۳	۴۰۲
آفریقا (زیر صحرای)					۱/۳	-۱/۶	۱۹۴۶	۷۳۱
۱. الجزایر	۳/۶	۱۱/۶	۳۰۰۴	۶۶۰۳	-۱/۹	-۱/۱	۶۶۰۳	۲۶۱۶
۲. مصر	۱۱/۳	۶/۸	۳۰۰۴	۴۲۱۱	۲/۵	۲/۶	۴۲۱۱	۱۰۸۵
۳. لیبی	-۲/۴	۱/۹					۵۰۷۳	
۴. مغرب	۱	۲/۹	۳۰۰۴	۴۳۰۹	۱/۱	۱/۴	۴۳۰۹	۱۶۷۸
۵. سودان	۸/۵	۴۶/۱	۳۰۰۴	۱۹۴۹	۳/۴	۱/۶	۱۹۴۹	۵۹۴
۶. تونس	۳/۶	۳/۸	۳۰۰۴	۷۷۶۸	۳/۲	۲/۳	۷۷۶۸	۲۸۳۸

(UNDP, Human Development Report 2006 Human development indicators, 2006 pp331 -334)

۵-۲. ساختار اقتصادی

جدول شماره ۵ بیان‌کننده ساختار اقتصادی (تولید ناخالص داخلی بر حسب نوع هزینه‌ها و ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی) کشورهای شمال قاره آفریقا است. متغیرهای ساختار هزینه‌ای اقتصاد شامل متغیرهای مصرف نهایی (اعم از مصرف نهایی دولت و خانوارها) و تشکیل سرمایه ناخالص و خالص تجارت (صادرات منهای واردات) است. اما ساختار بخش‌های اقتصادی از ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، صنعت (کل و صنایع کارخانه‌ای) و خدمات تشکیل شده است. با نگاهی گذرا به این جدول، روشن می‌شود این کشورها دارای ساختار اقتصادی متفاوت و سطوح رشد (توسعه) اقتصادی ناهمگون‌اند. این تفاوت‌ها با داشتن جنبه‌های مثبت، می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. در غالب این کشورها، بخش خدمات سهم برجسته‌ای از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و در برخی کشورها بخش‌های صنعت و کشاورزی سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد.

گفتنی است که کمتر کشوری با درآمد سرانه بالا می‌تواند یافت که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی آن چشمگیر باشد و برعکس، کمتر

کشوری با درآمد سرانه پایین می‌توان یافت که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی آن بالا نباشد. البته در بسیاری از این کشورها، بخش خدمات سهم چشمگیری از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. دامنه سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورها حداقل ۹ درصد (لیبی) و حداکثر ۴۶ درصد (سودان) است؛ همچنین دامنه سهم ارزش افزوده بخش صنعت (کل) از تولید ناخالص داخلی در میان این کشورها، حداقل ۲۴ درصد (سودان) و حداکثر ۵۱ درصد (الجزایر) است. انتظار می‌رود کشورهای با اقتصاد بزرگ شمال قاره آفریقا، که سهم بخش صنعت آن‌ها از تولید ناخالص داخلی چشمگیر است (الجزایر و مصر)، بهتر بتوانند از جریان مبادلات تجاری دوجانبه و چندجانبه با دیگر کشورهای شمال این قاره و ایران بهره ببرند.

در ادامه بحث، با هدف معرفی شاخصی از ساختار اقتصادی کشورهای شمال قاره آفریقا - که نمودار توسعه یافتگی اقتصاد به‌ویژه توسعه یافتگی صنعت آن باشد - «سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای (ساخته شده صنعتی) از GDP» این کشورها در سال‌های مورد نظر انتخاب و تحلیل شده است [۴].

۲-۶. سهم ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای و کشاورزی از تولید ناخالص

داخلی

سهم ارزش افزوده بخش صنعت به‌ویژه تولیدات کارخانه‌ای از GDP، شاخص توسعه صنعتی مهمی است که از این نظر برخی اقتصادهای کشورهای شمال قاره آفریقا وضعیت مناسبی دارند. براساس داده‌های آماری جدول شماره ۵، سهم ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای از GDP، در چهار گروه به این شرح است:

۱. اقتصادهای عمدتاً صنعتی شده (هم‌ردیف اقتصادهای در حال توسعه پیشرو): در این گروه کشورهایی قرار دارد که سهم ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای آن‌ها از GDP بیش از ۱۵ درصد است. در این گروه هیچ کشوری از شمال آفریقا جای ندارد.

۲. اقتصادهای نسبتاً صنعتی شده (هم‌ردیف اقتصادهای در حال توسعه): در این گروه کشورهایی قرار دارد که سهم ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای آن‌ها از GDP کمتر از ۱۵ و بیش از ۱۰ درصد است. هیچ کشوری از شمال آفریقا در این گروه جای ندارد.

۳. اقتصادهای عمدتاً غیرصنعتی: در این گروه کشورهایی قرار دارد که سهم ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای آن‌ها از GDP کمتر از ۱۰ و بیش از ۵ درصد است. الجزایر، لیبی و سودان در این گروه به‌چشم می‌خورد.

۴. اقتصادهای غیرصنعتی شده: در این گروه کشورهایی جای دارد که سهم ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای آن‌ها از GDP کمتر از ۵ درصد است. هیچ کشوری از شمال آفریقا در این گروه قرار ندارد.

بدین ترتیب، سه کشور مصر، مغرب و تونس به لحاظ سهم صنعت به‌ویژه تولیدات کارخانه‌ای از GDP موقعیت مناسبی در میان کشورهای شمال قاره آفریقا دارند. بالا بودن ارزش افزوده بخش کشاورزی ممکن است قابلیت‌ها و امکانات کشاورزی کشور را نشان دهد؛ اما بالا بودن سهم آن از تولید ناخالص داخلی کشور شاخص توسعه‌یافتگی از جمله توسعه کشاورزی نیست. در شمال آفریقا اقتصادهایی که سهم ارزش افزوده کشاورزی آن‌ها از تولید ناخالص داخلی بیش از ۴۰ درصد باشد [۵]، وجود ندارد. این آمار در واقع گویای این است که در این کشورها بخش کشاورزی جایگاه مسلطی ندارد.

۲-۷. نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی

یکی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان «سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP» است. هرچه این معیار بالاتر باشد، یعنی اینکه آن کشور توانسته است در توسعه و پیشرفت تلاش دوچندان کند. بر مبنای این شاخص، متوسط سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP برای کشورهای در حال توسعه ۲۱ درصد در سال ۱۹۹۵م و ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۰م بوده است. براساس داده‌های آماری جدول شماره ۵، سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP کشورهای شمال قاره آفریقا برای سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳م انتخاب و تحلیل شده که در چهار گروه برای سال ۲۰۰۴ به این شرح است:

۱. اقتصادهای با سهم تشکیل سرمایه ناخالص بالا از GDP: در این گروه کشورهایی قرار دارد که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP آن‌ها بالای ۳۰ درصد است. در این گروه تنها الجزایر قرار دارد.

۲. اقتصادهای با سهم تشکیل سرمایه ناخالص متوسط به بالا از GDP: در این گروه کشورهایی قرار دارند که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP آن‌ها کمتر از ۳۰ و بیش از ۲۰ درصد است. در این گروه نیز کشورهای مصر، مغرب، تونس و سودان جای دارد.

۳. اقتصادهای با سهم تشکیل سرمایه ناخالص متوسط از GDP: در این گروه کشورهایی جای می‌گیرد که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP آن‌ها کمتر از ۲۰ و بیش از ۱۰ درصد است. در این گروه نیز کشور لیبی قرار دارد.

۴. اقتصادهای با سهم تشکیل سرمایه ناخالص پایین از GDP: در این گروه کشورهایی قرار دارد که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP آنها کمتر از ۱۰ است. در این گروه هیچ کشوری از شمال قاره آفریقا قرار ندارد.

جدول ۵: تولید ناخالص داخلی بر حسب نوع هزینه و فعالیت‌های اقتصادی کشورهای شمال آفریقا

شرح	ترکیب تقاضای کل GDP			ترکیب عرضه کل GDP			مصرف نهایی		سال		
	بر حسب نوع هزینه‌ها			بر حسب نوع فعالیت‌ها			خانوارها	دولت			
	صادرات	واردات	کشاورزی	صنعت کل	صنعت ساخته شده	خدمات					
اقتصادهای توسعه یافته	۱۸	۱۸	۲۳	۱۹	۱۸	۳	۲۱	۳۱	۶۳	۱۹۹۰	
	۱۷	۱۹	۲۱	۱۹	۱۹	۲	۱۹	۲۸	۶۷	۱۹۹۵	
	۱۷	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲	۱۸	۲۶	۷۰	۲۰۰۰	
	۱۸	۲۲	۲۰	۲۲	۲۲	۲	۱۶	۲۴	۷۱	۲۰۰۳	
اقتصادهای در حال توسعه	۱۴	۲۵	۲۵	۲۴	۲۵	۱۴	۱۸	۳۳	۴۷	۱۹۹۰	
	۱۳	۲۸	۲۸	۲۹	۲۸	۱۲	۱۷	۳۳	۴۷	۱۹۹۵	
	۱۴	۲۴	۲۴	۳۱	۲۴	۱۰	۱۵	۳۴	۴۸	۲۰۰۰	
	۱۴	۳۷	۲۵	۳۳	۳۷	۱۱	۱۴	۳۵	۴۸	۲۰۰۳	
ج.ا.ایران	۱۲	۱۵	۳۵	۳۷	۱۵	۱۷	۱۰	۲۸	۵۳	۱۹۹۰	
	۱۶	۲۱	۳۱	۱۳	۲۱	۱۸	۱۲	۳۴	۴۷	۱۹۹۵	
	۱۴	۲۲	۳۵	۱۷	۲۲	۱۳	۱۳	۳۶	۴۹	۲۰۰۰	
	۱۳	۲۷	۳۶	۲۵	۲۷	۱۱	۱۱	۳۹	۴۸	۲۰۰۳	
آفریقا	۱۷	۲۹	۲۰	۲۷	۲۹	۱۷	۱۴	۳۴	۴۳	۱۹۹۰	
	۱۶	۲۷	۱۹	۳۰	۲۷	۱۶	۱۴	۳۲	۴۷	۱۹۹۵	
	۱۵	۳۲	۱۷	۲۷	۳۲	۱۵	۱۳	۳۴	۴۵	۲۰۰۰	
	۱۵	۳۴	۱۹	۳۱	۳۴	۱۶	۱۳	۳۳	۴۶	۲۰۰۳	
شمال آفریقا	۱۶	۲۹	۲۵	۳۱	۲۹	۱۵	۱۳	۳۸	۴۳	۱۹۹۰	
	۱۵	۲۴	۲۱	۲۸	۲۴	۱۵	۱۴	۳۶	۴۶	۱۹۹۵	
	۱۴	۲۸	۲۰	۲۴	۲۸	۱۴	۱۳	۳۸	۴۳	۲۰۰۰	
	۱۵	۳۳	۲۳	۳۱	۳۳	۱۶	۱۳	۳۸	۴۴	۲۰۰۳	
آفریقا (زیر صحرا)	۱۸	۱۷	۶۴	۲۵	۲۸	۱۹	۱۵	۳۲	۴۳	۱۹۹۰	
	۱۶	۱۸	۶۸	۳۱	۲۸	۱۶	۱۴	۳۰	۴۷	۱۹۹۵	
	۱۵	۱۵	۶۳	۲۹	۳۶	۱۶	۱۲	۳۱	۴۶	۲۰۰۰	

شرح			ترکیب تقاضای کل GDP					ترکیب عرضه کل GDP			
			بر حسب نوع هزینه‌ها					بر حسب نوع فعالیت‌ها			
			واردات	صادرات	تشکیل سرمایه ناخالص	مصرف نهایی		کشاورزی	صنعت		خدمات
						خانوارها	دولت		ساخته شده	کل	
۱. الجزایر	۲۰۰۳	۱۵	۶۶	۱۶	۳۵	۳۲	۱۶	۳۰	۱۲	۴۷	
	۱۹۹۰	۱۶	۵۷	۲۹	۲۳	۲۵	۱۱	۴۶	۱۱	۳۸	
	۱۹۹۵	۱۷	۵۶	۳۲	۲۷	۳۱	۱۰	۴۶	۸	۴۰	
	۲۰۰۰	۱۴	۴۲	۲۳	۴۲	۲۱	۸	۵۵	۶	۳۳	
	۲۰۰۳	۱۴	۴۲	۳۱	۳۸	۲۵	۱۰	۵۱	۶	۳۷	
۲. مصر	۱۹۹۰	۱۰	۷۶	۲۲	۲۸	۳۶	۱۶	۳۲	۱۶	۴۶	
	۱۹۹۵	۱۰	۷۷	۱۷	۲۱	۲۷	۱۴	۳۳	۱۷	۵۱	
	۲۰۰۰	۱۱	۷۶	۱۷	۱۷	۲۲	۱۵	۳۱	۱۸	۴۷	
	۲۰۰۳	۱۳	۷۲	۱۷	۲۸	۳۰	۱۶	۳۶	۱۹	۴۸	
۳. لیبی	۱۹۹۰	۲۶	۳۳	۲۱	۵۰	۳۰	۷	۴۸	۸	۴۵	
	۱۹۹۵	۲۱	۵۶	۱۲	۲۸	۲۲	۹	۴۶	۷	۴۵	
	۲۰۰۰	۲۱	۴۶	۱۳	۳۶	۱۵	۸	۵۳	۶	۳۹	
	۲۰۰۳	۱۷	۵۷	۱۴	۴۸	۳۶	۹	۵۰	۶	۴۲	
۴. مغرب	۱۹۹۰	۱۵	۶۵	۲۵	۲۵	۳۰	۱۸	۳۲	۱۸	۴۵	
	۱۹۹۵	۱۸	۶۸	۲۱	۲۳	۳۰	۱۵	۳۳	۱۸	۴۹	
	۲۰۰۰	۱۹	۶۴	۲۴	۲۶	۳۳	۱۴	۳۲	۱۸	۵۱	
	۲۰۰۳	۲۱	۵۹	۲۴	۲۸	۳۲	۱۷	۳۰	۱۷	۵۲	
۵. سودان	۱۹۹۰	۱۳	۷۶	۲۶	۱۰	۲۵	۲۹	۱۶	۹	۵۱	
	۱۹۹۵	۶	۷۸	۲۰	۳	۷	۵۰	۱۳	۸	۳۵	
	۲۰۰۰	۸	۷۶	۱۸	۱۶	۱۸	۴۶	۲۱	۷	۳۲	
	۲۰۰۳	۱۱	۷۴	۲۰	۱۵	۱۹	۴۶	۲۴	۸	۳۰	
۶. تونس	۱۹۹۰	۱۶	۶۴	۲۷	۴۴	۵۱	۱۶	۳۰	۱۷	۴۶	
	۱۹۹۵	۱۶	۶۳	۲۵	۴۵	۴۹	۱۱	۲۹	۱۹	۵۰	
	۲۰۰۰	۱۶	۶۱	۲۷	۴۵	۴۸	۱۲	۲۹	۱۸	۴۹	
	۲۰۰۳	۱۷	۶۳	۲۴	۴۴	۴۸	۱۲	۲۸	۱۸	۵۰	

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005 pp 335-355, New York and Geneva)

۳. عملکرد بخش خارجی اقتصاد کشورهای شمال قاره آفریقا

۳-۱. اندازه تجارت کشورهای شمال قاره آفریقا

جدول شماره ۶، اندازه صادرات و واردات قاره آفریقا و سهم آن را از صادرات و واردات جهانی در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ نشان می‌دهد. براساس اطلاعات آماری این جدول، کل صادرات و واردات قاره آفریقا در سال ۱۹۸۰، به ترتیب ۱۲۰ و ۹۶/۴ میلیارد دلار بوده است که در سال ۱۹۹۰ تحول خاصی در آن دیده نمی‌شود؛ اما در دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ رشد چشمگیری داشته و در سال ۲۰۰۴ به ترتیب به ۲۲۵/۶ و ۱۹۹/۳ و حدود ۱/۸۸ و ۲/۰۷ برابر رسیده است.

جدول ۶: اندازه تجارت قاره آفریقا طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴

شرح	صادرات				واردات			
	سهم از صادرات جهانی		سهم از واردات جهانی		سهم از صادرات جهانی		سهم از واردات جهانی	
	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۴
جهان	۲۰۳۳/۱	۳۴۹۳/۶	۶۴۳۵/۷	۸۹۷۵/۶	۱۰۰	۱۰۰	۹۲۴۴/۷	۱۰۰
درحال توسعه	۵۹۹/۱	۸۴۷/۵	۲۰۳۶/۴	۳۰۰۳/۶	۲۹/۴۷	۳۳/۴۶	۱۹۰۳/۴	۲۸۱۲/۷
ج.ا. ایران	۱۲/۳۳	۱۹/۳۱	۲۸/۳۵	۴۵/۲۳	۰/۶۱	۰/۵	۳۳/۷۵	۰/۳۷
آفریقا	۱۲۰/۰۶	۱۱۰/۶۷	۱۴۵/۹۱	۲۲۵/۵۵	۵/۹۱	۲/۵۱	۱۳۰/۱۴	۴/۶۵
شمال آفریقا	۴۴/۰۴	۴۱/۰۶	۵۳/۶۵	۸۳/۱۵	۲/۱۷	۰/۹۳	۷۲/۷۷	۱/۷۹
آفریقای زیرصحرا	۷۶/۰۲	۶۹/۶۲	۹۲/۲۷	۱۴۲/۴	۳/۷۴	۱/۵۹	۸۱/۱۹	۱/۳۷

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005, pp 2-15 New York and Geneva)

متوسط سهم صادرات و واردات قاره آفریقا از صادرات و واردات جهانی از ۵/۹ و ۴/۶۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲/۵ و ۲/۱۶ درصد در سال ۲۰۰۴، به بیش از نصف، کاهش یافته و گویای این است که آهنگ رشد تجارت در قاره آفریقا (در هر دو منطقه شمال آفریقا و زیر صحرا) به مراتب کندتر از آهنگ رشد تجارت جهانی بوده است. قاره آفریقا در طول دوره مورد بررسی، همواره با مازاد تجاری روبه‌رو بوده است.

جدول شماره ۷، اندازه صادرات و واردات شش کشور شمال آفریقا و سهم آن‌ها را از صادرات و واردات جهانی در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴م نشان می‌دهد. براساس اطلاعات آماری این جدول، اقتصادهایی که بالاترین بخش خارجی اقتصاد به‌ویژه صادرات را به‌دست آورده‌اند، بدین شرح است:

۱. اقتصادهایی که بالاترین ارزش صادرات (یا سهم بیش از ۲۰٪ درصد از صادرات جهانی) را دارند: شامل دو کشور الجزایر و لیبی است. بزرگ‌ترین اقتصاد آفریقا هم‌ردیف ایران است؛ زیرا ایران در سال ۲۰۰۴، ۴۵/۲ میلیارد دلار صادرات داشته و سهم آن ۵٪ درصد از صادرات جهانی بوده است. در سال ۲۰۰۴، نیمی از کشورهای شمال آفریقا حدود ۰/۱ درصد (کمتر از ۱۰ میلیارد دلار) صادرات داشتند که گویای کوچک بودن اقتصاد و توسعه‌نیافتگی بخش خارجی اقتصاد کشورهای شمال آفریقا است.

۲. اقتصادهایی که بالاترین میزان ارزش واردات (یا سهم بیش از ۲۰٪ درصد از واردات جهانی) را به‌دست آورده‌اند: تنها دو کشور الجزایر و مصر در این سطح قرار دارد. در بین کشورهای شمال قاره آفریقا، الجزایر با ۱۸/۲ میلیارد دلار واردات و با ۲٪ درصد از واردات جهانی در صدر کشورهای شمال قاره آفریقا قرار گرفته و بزرگ‌ترین اقتصاد شمال قاره آفریقا است. در سال ۲۰۰۴، نیمی از کشورهای شمال آفریقا حدود ۰/۱ درصد (کمتر از ۱۰ میلیارد دلار) واردات داشتند که گویای کوچک بودن اقتصاد و توسعه‌نیافتگی بخش خارجی کشورهای شمال قاره آفریقا است.

جدول ۷: اندازه تجارت کشورهای شمال قاره آفریقا طی دو دوره زمانی ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴

شرح	صادرات به میلیارد دلار				واردات به میلیارد دلار					
	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۴	سهم از جهان	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۴	سهم از جهان
۱. الجزایر	۱۳/۸۷	۱۴/۷۱	۳۱/۶۵	۳۲/۳	-/۳۶	۱۰/۵۶	۹/۷۸	۹/۲	۱۸/۲	-/۲
۲. مصر	۳/۰۵	۴/۹۶	۴/۶۹	۷/۵۳	-/۰۸	۴/۸۶	۱۶/۷۸	۱۴/۰۱	۱۳/۶۱	-/۱۴
۳. لیبی	۳۱/۹۱	۱۳/۲۲	۱۲/۶۹	۲۰/۲	-/۲۳	۶/۷۸	۵/۳۴	۴/۰۸	۷/۵	-/۰۸
۴. مغرب	۲/۴۴	۴/۲۷	۶/۹۶	۹/۶۶	-/۱۱	۴/۳۶	۶/۹۲	۱۰/۰۲	۹/۹۳	-/۱۱
۵. سودان	۵۴	-/۳۷	۱/۸۱	۳/۷۸	-/۰۴	۱/۵۸	-/۶۲	۱/۵۵	۴/۱	-/۰۴
۶. تونس	۲/۲۳	۳/۵۳	۵/۸۵	۹/۶۹	-/۱۱	۳/۵۳	۵/۵۱	۸/۵۷	۱۲/۷۴	-/۱۴

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005, pp 2-13. New York and Geneva)

۲-۳. شاخص بازبودن اقتصاد و ساختار تجارت

درجه بازبودن اقتصاد با استفاده از نسبت مبادلات تجاری (مجموع صادرات و واردات کشور) به تولید ناخالص داخلی کشور محاسبه می‌شود. بر مبنای این شاخص، هرچه نسبت مبادلات تجاری کشور به تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، آن کشور از اقتصاد بازتری برخوردار است و کشورهایی که اقتصاد بازتری دارند، مبادلات تجاری آن‌ها اهمیت بیشتری دارد. بسته‌بودن اقتصاد هر کشور به معنای پایین‌بودن نسبی سهم مبادلات تجاری در GDP این کشورهاست که سرانجام موجب پایین‌بودن سطح مبادلات تجاری آن کشورها با یکدیگر می‌شود. افزون بر این، می‌تواند منعکس‌کننده انواع محدودیت‌های موجود در توسعه تجارت آن کشورها باشد. البته هرچه اندازه اقتصاد کشوری بزرگ‌تر باشد، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آن کشور به‌طور نسبی بسته‌تر باشد و در مقابل، ممکن است اقتصادهای کوچک دارای اقتصادهای بازتری باشند؛ زیرا اقتصاد بزرگ آن‌قدر تنوع و گستردگی در تولید دارد که بخش بزرگی از تولید را جهت مصرف داخلی تولید کند و به تناسب از حجم تجارت آن کشور بکاهد. این شرایط برای اقتصادهای کوچک میسر نیست؛ زیرا به‌ناچار بخش عظیمی از مصرف داخلی را باید وارد کنند؛ اما در مقابل، در یک یا چند رشته فعالیت صنعتی مزیت‌های نسبی فراوانی دارند.

جدول شماره ۱۰، شاخص درجه بازبودن اقتصاد و اجزای آن را برای کشورهای شمال قاره آفریقا طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۳ م می‌نماید. دامنه شاخص یادشده برای کشورهای شمال قاره آفریقا حداکثر و حداقل رقم نسبت صادرات به GDP ۴۷ (لیبی) و ۱۸ (سودان) بوده است. حداکثر و حداقل رقم نسبت واردات به GDP نیز ۴۸ (تونس) و ۲۱ (سودان) بوده که گویای ناهمگونی به مراتب بالای اقتصاد کشورهای مورد بحث است. بنابراین شمال قاره آفریقا بسته‌ترین و بازترین اقتصادها را در خود جای داده است. همچنین در این جدول، ساختار تجارت اعم از کالا و خدمات و منابع به‌وجود آورنده مزیت کشورهای شمال قاره آفریقا به چشم می‌خورد. بر مبنای داده‌های آماری این جدول، نتایج زیر به دست می‌آید:

بررسی اقلام کالاهای صادراتی کشورها حاکی است سهم چشمگیری از صادرات این کشورها را مواد معدنی (نظیر نفت خام و فرآورده‌های آن) تشکیل می‌دهد. به این ترتیب، کالاهای صنعتی سهم کمی از صادرات اغلب این کشورها را داراست و در مقابل،

بخش مهمی از صادرات آن‌ها کالاهای خام اولیه است. سهم صادرات مواد اولیه از کل صادرات کالایی برای برخی از این کشورها از جمله الجزایر و مصر (بیش از ۶۰ درصد) چشمگیر است، حال اینکه برای کشورهای معدودی از جمله مغرب و تونس سهم بسیاری از صادرات کالایی، صادرات صنعتی (بیش از ۶۰ درصد) است.

جدول ۸: ساختار تجارت کشورهای شمال قاره آفریقا طی دو دوره زمانی ۱۹۹۰ و

۲۰۰۴

شرح	واردات کالا و خدمات از GDP (%)		صادرات کالا و خدمات از GDP (%)		صادرات اولیه از صادرات (%)		صادرات صنعتی از صادرات (%)		صادرات فن آوری بالا از صادرات (%)		رابطه مبادله ۱۹۸۰-۱۰۰
	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	
جهان	۱۹	۲۴	۲۴	۱۹	۲۳	۱۸	۷۲	۷۷	۱۸	۱۹	-
در حال توسعه	۲۴	۳۶	۳۹	۲۵	۳۸	۲۲	۵۹	۷۴	۲۴	-	-
ج. ا. ایران	۲۴	۳۰	۳۲	۲۲	..	۹۱	..	۹	۲	-	-
آفریقا (زیر صحرا)	۲۶	۳۴	۳۳	۲۷	۷۳	۷۰	..	۳۲	۴	-	-
۱. الجزایر	۲۵	۲۶	۴۰	۲۳	۹۷	۹۸	۳	۲	۱	۷۵	-
۲. مصر	۳۳	۲۹	۲۹	۲۰	۵۷	۶۴	۴۲	۳۱	۱	۵۰	-
۳. لیبی	۳۱	۳۶	۴۷	۴۰
۴. مغرب	۳۲	۳۹	۳۳	۲۶	۴۸	۳۱	۵۲	۶۹	۱۰	۱۰۹	-
۵. سودان	..	۲۱	۱۸	۹۸	..	۲	-
۶. تونس	۵۱	۴۸	۴۵	۴۴	۳۱	۲۲	۶۹	۷۸	۲	۸۰	۵

(UNDP, Human Development Report 2006 Human development indicators, 2006pp339 -342)

۳-۳. ساختار مهم‌ترین شرکای تجاری کشورهای شمال قاره آفریقا

۳-۳-۱. تحلیل مقاصد اصلی صادرات

مقاصد اصلی ساختار صادرات کشورهای شمال آفریقا طی دو دوره ۱۹۹۵ و ۲۰۰۴ در جدول شماره ۹ نشان داده شده است. براساس داده‌های آماری این جدول در سال ۱۹۹۵م، اولین و بزرگ‌ترین مقصد صادراتی کشورهای شمال قاره آفریقا، کشورهای قاره اروپا به‌ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپاست.

جدول ۹: ساختار صادرات کشورهای شمال آفریقا: مقاصد اصلی صادرات (ارقام به

میلیارد دلار و درصد)

شرح	جهان		اقتصادهای توسعه‌یافته						اقتصادهای در حال توسعه					
	۱۹۹۰	۲۰۰۴	اروپا		آمریکا		ژاپن		اروپای شرقی و CIS		آفریقا		آسیا	
	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴
الجزایر	۱۱/۰۱	۳۱/۸۵	۷۰/۲	۵۵/۲	۱۹/۶	۳۰/۱	۰/۹	۰/۳	۲/۳	۰/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۳	۷
مصر	۲/۵۹	۱۱/۲۴	۴۳/۳	۴۲/۴	۸/۸	۱۳	۲/۷	۰/۵	۱/۱	۱/۱	۳/۷	۶/۶	۱۵/۲	۲۲/۳
لیبی	۱۳/۸۸	۱۹/۲۵	۸۴/۸	۸۳/۲	۰/۰	۲	۰/۰	۰/۰	۷/۶	۱/۳	۳/۳	۳/۱	۴/۲	۹/۹
مغرب	۴/۵۷	۱۰/۷۳	۶۳	۷۰/۸	۲/۱	۵/۴	۳/۶	۱/۲	۱/۳	۶/۷	۴/۵	۱۲/۲	۱۱/۹	۱۱/۹
سودان	۰/۵۲	۴/۱۴	۳۹	۵	۲/۸	۰/۴	۶	۱۳/۷	۹/۱	۰/۱	۷/۱	۳/۲	۲۴/۹	۶۸/۴
تونس	۳/۵۶	۹/۸۳	۷۷/۶	۸۰/۱	۰/۹	۲/۳	۰/۳	۰/۵	۳	۰/۲	۹/۵	۸/۱	۷/۶	۴/۰

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005 pp. 52-66, New York and Geneva)

سهم عظیمی از صادرات کشورهای الجزایر، مصر، لیبی، مغرب و تونس به بازار اروپا (بیش از ۴۰ درصد از کل صادرات کشور) روانه می‌شود و تنها سهم بزرگی از صادرات سودان به بازار آسیا (بیش از ۴۰ درصد از کل صادرات کشور) اختصاص دارد.

۳-۳-۲. تحلیل مبادی اصلی واردات

مبادی اصلی واردات کشورهای شمال آفریقا در دو دوره ۱۹۹۵ و ۲۰۰۴ م در جدول شماره ۱۰ نشان داده شده است. براساس داده‌های آماری این جدول در سال ۱۹۹۵، اولین و بزرگ‌ترین مبادی وارداتی کشورهای شمال قاره آفریقا کشورهای اروپایی به‌ویژه EU است که قسمت مهمی از واردات این کشورها را تأمین می‌کند. سهم بزرگی از واردات کشورهای شمال آفریقا از جمله الجزایر، مصر، لیبی، مغرب و تونس از بازار اروپا

(بیش از ۴۰ درصد از واردات کشور) تأمین می‌شود و فقط سهم عظیمی از واردات سودان از آسیا (بیش از ۴۰ درصد) فراهم می‌شود.

جدول ۱۰: ساختار واردات کشورهای شمال قاره آفریقا: مبادی اصلی واردات (ارقام به میلیارد دلار و درصد)

شرح	جهان		اقتصادهای توسعه یافته						اقتصادهای در حال توسعه					
			اروپا		آمریکا		ژاپن		اروپای شرقی و CIS		آفریقا		آسیا	
			۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۴
۱. الجزایر	۹/۶۸	۲۰/۴۴	۶۷/۶	۶۳/۱	۱۴/۹	۶/۳	۴/۶	۲/۸	۲/۷	۵	۲/۶	۱/۹	۳/۹	۱۶
۲. مصر	۹/۲۲	۲۷/۳۱	۴۹	۳۸/۲	۱۴/۸	۱۳/۱	۳/۷	۳/۱	۶/۴	۴/۶	۱/۴	۳	۱۱/۷	۲۳/۶
۳. لیبی	۵/۶۶	۷/۶	۷۰/۸	۶۴/۵	۲/۲	۱/۷	۴/۳	۲/۶	۱/۵	۲/۳	۵/۳	۹	۱۱/۹	۱۸/۳
۴. مغرب	۷/۹۱	۱۹/۳۶	۵۲/۹	۶۴/۵	۷/۶	۳/۷	۱/۶	۱/۳	۳	۴/۱	۶/۹	۴/۱	۱۳/۶	۱۷/۸
۵. سودان	۱/۳۱	۴/۲۴	۴۲/۸	۲۱/۵	۴/۱	۳/۱	۳/۹	۳/۸	۳/۵	۲/۲	۱۶/۲	۸/۳	۲۹	۴۵/۶
۶. تونس	۶/۱۳	۱۴/۰۲	۶۸	۷۴/۹	۵/۷	۲/۲	۱/۶	۰/۸	۲/۵	۳/۴	۵/۷	۶	۸/۳	۸/۹

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005, pp. 67-81, New York and Geneva)

۳-۴. موقعیت قاره آفریقا در گروه‌های کالایی اصلی صادراتی و وارداتی جهان

جدول شماره ۱۱، گروه‌های اصلی وارداتی و صادراتی شمال قاره آفریقا را در مقایسه با سایر مناطق جهان طی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ نشان می‌دهد. با نگاهی به جدول، این نتایج به دست می‌آید:

الف) سهم واردات کل آفریقا با ۰/۳ واحد افزایش از ۱/۹ درصد به ۲/۱ درصد از واردات جهانی افزایش یافته است؛ با وجود این، همچنان سهم آفریقا از واردات و صادرات جهانی بسیار کم است.

ب) از مطالعه تطبیقی واردات و صادرات آفریقا دریافت می‌شود که سهم صادرات آفریقا از صادرات جهان به مراتب بیشتر از سهم واردات آن از واردات جهانی است.

بنابراین این قاره در طول دوره همواره با مازاد تراز تجاری کالایی روبه‌رو بوده است؛ هرچند روند مازاد تراز تجاری رو به کاهش است.

ج) اولین گروه کالایی وارداتی آفریقا به اقلام مواد غذایی وابسته است، حال اینکه اولین گروه کالایی صادراتی این قاره را سوخت‌ها تشکیل می‌دهد که هر دو گروه کالا طی دو سال افزایش پیدا کرده است. در این میان، سهم کالاهای صنعتی در واردات و به‌ویژه صادرات قاره آفریقا کم است. (این تحلیل کمابیش برای کشورهای شمال قاره آفریقا قابل بحث است.)

جدول ۱۱: توزیع جغرافیایی صادرات و واردات به تفکیک گروه‌های اصلی کالایی

شرح	واردات				صادرات			
	جهان		اقتصادی		جهان		اقتصادی	
	توسعه‌یافته	زیرمال توسعه	توسعه‌یافته	زیرمال توسعه	توسعه‌یافته	زیرمال توسعه	توسعه‌یافته	زیرمال توسعه
کل تولیدات (میلیون دلار)	۶۲۷۲/۸۵	۳۲۵۵/۷۴	۱۷۱۱/۶۶	۱۲۱/۴	۶۲۷۲/۸۵	۳۲۵۵/۷۴	۱۷۱۱/۶۶	۱۲۱/۴
سهم کل تولیدات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سهم کل مواد غذایی	۳۰۰۳	۶۸/۸	۲۶/۷	۴	۳۰۰۳	۶۸/۸	۲۶/۷	۴
سهم مواد خام کشاورزی	۳۰۰۳	۶۶/۳	۳۱/۵	۲/۲	۳۰۰۳	۶۶/۳	۳۱/۵	۲/۲
سهم فلزات و معادن	۳۰۰۳	۶۷/۳	۳۷/۳	۱/۲	۳۰۰۳	۶۷/۳	۳۷/۳	۱/۲
سهم سوخت‌ها	۳۰۰۳	۶۳/۵	۲۳/۷	۱/۳	۳۰۰۳	۶۳/۵	۲۳/۷	۱/۳
سهم کالاهای صنعتی	۳۰۰۳	۶۷/۷	۲۹/۱	۲/۱	۳۰۰۳	۶۷/۷	۲۹/۱	۲/۱

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005, pp.82-121)

۱-۴-۳. اقلام کالاهای عمده وارداتی و صادراتی شمال قاره آفریقا به / از جهان و ایران
 اقلام کالاهای مهم وارداتی و صادراتی کشورهای قاره آفریقا به‌ویژه کشورهای شمال این قاره از / به جهان و ایران عبارت است از:

جدول ۱۲: اقلام کالاهای عمده صادراتی و وارداتی شمال قاره آفریقا به / از جهان و ایران

اقلام کالاهای عمده وارداتی شمال قاره آفریقا از		اقلام کالاهای عمده صادراتی شمال قاره آفریقا به	
ایران	جهان	ایران	جهان
۱. قیر	۱. وسایل نقلیه و قطعات	۱. سوپر فسفات‌ها	۱. نفت خام و فرآورده‌های نفتی
۲. گاز طبیعی و گوگرد و آمونیاک	۲. تراکتور، بولدوزر و تجهیزات آن	۲. اسیدفسفریک	۲. گاز طبیعی و مشتقات آن
۳. موم و پارافین و وازلین و روغن‌های صنعتی	۳. نفت و روغن‌های نباتی	۳. فرومنگنز	۳. کاکائو
۴. فرش و کفپوش	۴. گاز طبیعی و مشتقات آن	۴. قند و شکر	۴. قهوه
۵. کاشی و سرامیک	۵. گندم	۵. فسفات کلسیم	۵. مواد معدنی خام
۶. سنگ‌های ساختمانی	۶. برنج	۶. فولاد	۶. الماس و سنگ‌های قیمتی
۷. لوازم ساختمانی و خانگی	۷. مواد غذایی	۷. ماشین‌های ریخته‌گری	۷. ماهی و فرآورده‌های دریایی
۸. سیمان	۸. دارو	۸. چوب و کائوچوی طبیعی	۸. چوب و کائوچو
۹. وسایل نقلیه و تراکتور و واگن‌های باری		۹. کاکائو	۹. توتون و تنباکو
۱۰. خشکبار		۱۰. چای	۱۰. پنبه و منسوجات
۱۱. مصنوعات پلاستیکی		۱۱. توتون و تنباکو	
۱۲. محصولات صنایع دستی			

(گمرگ ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی ج. ۱. ایران، سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۸۴ و آنکتاد، ۲۰۰۵)

عمده کالاهای صادراتی آفریقا به جهان شامل نفت خام و گاز طبیعی و مشتقات آن، کاکائو، قهوه، مواد معدنی، الماس و سنگ‌های قیمتی، ماهی و فرآورده‌های دریایی، چوب و کائوچو، توتون و تنباکو، پنبه و منسوجات است. عمده کالاهای صادراتی آفریقا به ایران نیز سوپر فسفات‌ها، اسیدفسفریک، فرومنگنز، قند و شکر، فسفات کلسیم، فولاد، ماشین‌های ریخته‌گری، چوب و کائوچوی طبیعی، کاکائو و توتون و تنباکو است. عمده کالاهای وارداتی آفریقا از جهان شامل وسایل نقلیه و قطعات، تراکتور، بولدوزر و تجهیزات آن، نفت و روغن‌های نباتی، گاز طبیعی، گوگرد و مشتقات آن، گندم، برنج، مواد غذایی و داروست. کالاهای وارداتی آفریقا از ایران نیز شامل قیر، گاز طبیعی، گوگرد و آمونیاک، موم و پارافین، وازلین، روغن‌های صنعتی، فرش و کفپوش، کاشی سرامیکی، سنگ‌ها و لوازم ساختمانی و خانگی، سیمان، وسایل نقلیه، تراکتور و واگن‌های باری، خشکبار، مصنوعات پلاستیکی و صنایع دستی است.

۳-۵. موقعیت کشورهای برتر شمال آفریقا در تجارت گروه‌های اصلی خدمات

۳-۵-۱. موقعیت کشورهای شمال آفریقا در صادرات گروه‌های اصلی خدمات

جدول شماره ۱۳ موقعیت (اعم از ارزش، سهم و تغییر) صادرات خدمات کشورهای برتر شمال قاره آفریقا را در میان کشورهای در حال توسعه، در ده گروه اصلی، در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ نشان می‌دهد.

جدول ۱۳: موقعیت کشورهای آفریقایی برتر در صادرات گروه‌های اصلی خدمات

شرح	۲۰۰۲			۲۰۰۳			۲۰۰۴		
	میلیون دلار	% از کل صادرات خدمات	تغییر سالانه %	میلیون دلار	% از کل صادرات خدمات	تغییر سالانه %	میلیون دلار	% از کل صادرات خدمات	تغییر سالانه %
حمل و نقل									
۱. مصر	۲۷۹۷	۳۰	۲	۲۲۹۹	۲۹/۸	۱۸	۴۰۱۶	۲۸/۳	۲۲
۲. مغرب	۷۸۰	۱۷/۹	۱۸	۹۱۰	۱۶/۶	۱۷	۱۱۶۵	۱۷/۱	۲۸
مسافرت									
۱. مصر	۲۷۶۴	۴۰/۴	-۱	۴۵۸۴	۴۱/۴	۲۲	۶۱۲۵	۴۳/۱	۳۴
۲. مغرب	۲۶۴۶	۶۰/۷	۲	۳۲۲۱	۵۸/۸	۲۲	۳۹۱۹	۵۷/۴	۲۲
۳. تونس	۱۵۲۳	۵۶/۸	-۱۳	۱۵۸۳	۵۳/۹	۴	۱۹۷۰	۵۴/۳	۲۵
ارتباطات									
۱. مصر	۲۲۱	۲/۴	-۵	۳۰۹	۲/۸	۴۰	۴۰۵	۲/۹	۳۱
۲. مغرب	۲۳۱	۵/۳	۳۷	۲۵۰	۴/۶	۸	۳۱۵	۴/۶	۲۶
ساختمان									
۱. مصر	۱۷۲	۱/۸	۲۲	۲۲۲	۲	۲۹	۴۰۶	۲/۹	۸۳
۲. تونس	۸۹	۳/۳	۳۶	۱۲۲	۴/۱	۳۶	۱۴۸	۴/۱	۲۱
خدمات اطلاعاتی و کامپیوتر									
۱. مصر	۲۷	-/۳	۲۳	۳۳	-/۲	-۱۷	۳۳	-/۳	۴۷
۲. تونس	۱۸	-/۷	-۱۲	۱۹	-/۷	۶	۱۸	-/۵	-۵
بیمه									
۱. آفریقای جنوبی	۲۳۹	۵/۱	-۲۶	۳۲۲	۴/۳	۳۵	۳۶۰	۴/۳	۱۱
۲. مغرب	۲۸	-/۷	-۳	۷۶	۱/۴	۱۶۸	۹۵	۱/۴	۲۴
۳. لیبی	۳۷	۹/۲	۱۲	۵۵	۱۲/۴	۴۹	-	-	-
خدمات مالی									
۱. مصر	۸۵	-/۹	۲۱	۸۰	-/۷	۶	۷۴	-/۵	-۷
۲. تونس	۴۲	۱/۶	۱۰	۵۵	۵/۵	۱/۹	۳۱	۵/۵	۱/۵
هزینه بروانه (جواز) و حق امتیاز									
۱. مصر	۳۸	-/۴	-۱۹	۱۳۱	۱/۱	۲۲۱	۱۰۰	-/۷	-۱۷
۲. مغرب	۱۱	-/۳	-۲۶	۳۶	-/۵	۱۳۲	۱۷	-/۳	-۳۵
۳. تونس	۱۶	-/۶	۶	۱۸	-/۶	۱۰	۱۸	-/۵	-۱
سایر خدمات بازرگانی									
۱. مصر	۱۹۴۸	۳۰/۹	۱۲	۲۰۹۲	۱۸/۹	۷	۲۷۸۰	۱۹/۶	۳۳
۲. مغرب	۴۰۱	۹/۲	۲۱	۶۴۳	۱۱/۷	۶۰	۹۱۱	۱۳/۳	۴۲
۳. تونس	۲۶۷	۱۰	۴	۲۸۳	۹/۶	۶	۳۴۱	۹/۴	۲۰
خدمات تفریحی، فرهنگی و انسانی									
۱. مصر	۵۴	-/۶	۱۸۶	۷۲	-/۷	۳۴	۶۹	-/۵	-۴
۲. تونس	۳	-/۱	-۳۳	۵	-/۲	۹۳	۱۰	-/۳	۹۲

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005 pp. 208-213, New York and Geneva)

داده‌های این جدول نشان می‌دهد از میان شش کشور شمال آفریقا در صادرات ده گروه اصلی، تنها سه کشور: مصر (نه گروه اصلی خدمات)، تونس (هفت گروه اصلی خدمات) و مغرب (شش گروه اصلی خدمات) از موقعیت ممتازی در صادرات گروه‌های اصلی خدمات برخوردارند. هرچند پیوسته بر ارزش صادرات کشورهای یادشده در گروه‌های اصلی خدمات افزوده شده، سهم آن‌ها در صادرات گروه‌های کالایی این کشورها کاهش یافته است؛ به این معنا که رقیبان این کشورها رقابت فشرده‌ای، با تثبیت سهم و افزایش آن، در این بازارها دارند.

۲-۵-۳. موقعیت کشورهای برتر در شمال قاره آفریقا در واردات گروه‌های اصلی خدمات

جدول شماره ۱۴ موقعیت (اعم از ارزش، سهم و تغییر) واردات خدمات کشورهای برتر در شمال آفریقا را در میان کشورهای درحال توسعه، در ده گروه اصلی، برای سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ نشان می‌دهد. داده‌های جدول گویای این است که سه کشور به‌ویژه مصر (نه گروه اصلی خدمات) در میان کشورهای درحال توسعه موقعیت ممتازی در واردات گروه‌های اصلی خدمات دارد که رقابت‌پذیری بالای آن‌ها را در گروه‌های اصلی خدمات و در میان کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد. در بسیاری از گروه‌های اصلی خدمات بر ارزش و سهم واردات کشورهای یادشده در گروه‌های اصلی خدمات افزوده شده است و این نشان می‌دهد کشورهای مهم صادرکننده خدمات رقابت فشرده‌ای، با تثبیت سهم و افزایش آن، در این بازارها دارند.

جدول ۱۴: موقعیت کشورهای آفریقایی برتر در میان اقتصادهای در حال توسعه در واردات گروه‌های اصلی خدمات

شرح	۲۰۰۲		۲۰۰۳		۲۰۰۴		تغییر سالانه خدمات	تغییر سالانه صادرات	تغییر سالانه خدمات
	میلیون دلار	% از صادرات	میلیون دلار	% از صادرات	میلیون دلار	% از صادرات			
حمل و نقل	۱۷۸۲	۲۶/۹	-۱۲	۲-۱۲	۳۱/۱	۱۳	۲۹۸۶	۳۷/۲	۴۸
مسافرت	۱۲۶۶	۱۹/۱	۱۲	۱۳۲۱	۳۰/۴	۴	۱۲۵۷	۱۵/۷	-۵
ارنیاطات	۱۲۵	۱/۹	-۲	۱۴۸	۲/۳	۱۸	۲۲۴	۲/۸	۵۱
ساختمان	۱۸۸	۱۲/۲	۲۷۶	۱۶۸	۱۰/۵	-۱۱
۱. لیبی	۱۶۰	۱۱	۱۸	۱۶۰	۹/۹	۰	۱۸۳	۹/۲	۱۵
۲. تونس	۱۲۴	۱/۹	-	۱۰۸	۱/۷	-۱۴	۱۷۱	۲/۱	۵۹
خدمات اطلاعاتی و کامپیوتر	۱۴	-۱/۳	۹	۲۷	-۱/۴	۹۴	۲۴	-۱/۳	-۱۱
۱. مصر	۲	-۱/۱	-	۱۲	-۱/۸	۵۰۰
۲. لیبی
بیمه	۲۹۸	۴	-۲	۴۲۴	۶/۵	۶	۵۸۸	۷/۳	۳۹
خدمات مالی	۲۴	۲/۳	-۱۸	۲۵	۲/۲	۳	۴۵	۲/۳	۲۹
تونس	۱۷۱	۲/۶	-۵۳	۱۶۵	۲/۵	۴	۱۰۸	۱/۳	-۲۴
هزینه بروانه (جواز) و حق امتیاز	۲۰۹۰	۳۱/۵	-۶	۱۷۹۳	۲۷/۷	-۱۴	۳۰۶۹	۲۵/۸	۱۵
۱. مصر	۴۹۶	۲۰/۵	۱۲	۵۶۷	۱۹/۸	۱۴	۶۸۹	۲۰	۲۲
۲. مغرب
سایر خدمات بازرگانی	۱	-۱/۱	-	۹	-۱/۲	۱۲	۱۵	-۱/۲	۰
۱. مصر
۲. لیبی

(UNCTAD, Hand Book of Statistics, 2005, pp. 214-218, New York and Geneva)

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف مطالعه شاخص‌های ارزیابی اقتصادی- تجاری کشورهای شمال قاره آفریقا و ارزیابی جایگاه کشورهای آن در اقتصاد جهانی نوشته شده است. در این مقاله نخست اقتصاد و تجارت کشورهای شمال قاره آفریقا مطالعه شده، سپس جایگاه منطقه‌ای و جهانی آن کشورها و قوت و ضعف اقتصاد و تجارت آن‌ها ارزیابی شده است. در آفریقا ۵۴ کشور وجود دارد که از این تعداد شش کشور در شمال آفریقا و بقیه در زیر صحرا قرار دارند. در این نوشتار فقط پنج کشور از شمال آفریقا بررسی شده است. کشورهای شمال قاره آفریقا لنگرگاه اقتصاد و تجارت این قاره به‌شمار می‌آید. این کشورها به‌سبب مزیت نزدیکی جغرافیایی و همسانی در اندازه اقتصاد و تجارت و مشترکات فرهنگی - اعتقادی، در تجارت با ایران در اولویت قرار دارند. قسمت اعظم

تجارت قاره آفریقا در کشورهای الجزایر، مغرب، لیبی و مصر متمرکز است؛ بنابراین ایران باید روابط تجاری خود را دراصل با کشورهای شمال آفریقا برقرار کند. براساس نتایج بررسی شاخص آزادی اقتصادی کشورهای شمال قاره آفریقا در سال ۲۰۰۷، بالاترین شاخص آزادی اقتصادی از آن تونس، مصر، الجزایر و مغرب است. بنابراین برای پرهیز از خطر در توسعه تجارت ایران، اولویت با کشورهایی از شمال قاره آفریقاست که شاخص آزادی اقتصادی بالاتری در جهان و آفریقا دارند؛ کشورهایی همچون تونس، مصر، الجزایر و مغرب.

از بررسی ساختار تجارت و منابع به وجود آورنده مزیت آن در کشورهای قاره آفریقا دریافت می شود کالاهای صنعتی سهم کمی از صادرات اغلب این کشورها را تشکیل می دهد و در مقابل، بخش مهمی از صادرات این کشورها کالاهای اولیه است. سهم صادرات مواد اولیه از کل صادرات برای بسیاری از کشورها از جمله الجزایر و مصر (بیش از ۶۰ درصد) است، حال اینکه برای معدودی از کشورها، مغرب و تونس، سهم مهمی از صادرات (بیش از ۶۰ درصد) کالاهای صنعتی است.

مصر در میان کشورهای شمال قاره آفریقا از موقعیت ممتازی در واردات گروه های اصلی خدمات برخوردار است که رقابت پذیری بالای این کشور را در گروه های اصلی خدمات (نه گروه) نشان می دهد. همچنین در بسیاری از گروه های اصلی خدمات بر ارزش و سهم واردات آنها در گروه های یاد شده افزوده شده است. این افزایش نشان می دهد رقابت فشرده ای با تثبیت سهم و افزایش آن از سوی کشورهای مهم صادرکننده خدمات وجود دارد.

تحلیل مقاصد اصلی صادرات کشورهای قاره آفریقا گویای این است که اولین و بزرگ ترین مقصد صادراتی کشورهای آفریقا، اتحادیه اروپاست. بررسی موقعیت کشورهای شمال قاره آفریقا در گروه های کالایی اصلی صادراتی و وارداتی جهان نیز نشان می دهد اولین گروه کالایی وارداتی آنها مواد غذایی، و نخستین گروه کالایی صادراتی آنها سوخت ها می باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. واحد تراکم نسبی جمعیت، نفر در کیلومتر مربع است.
۲. اگر تولید ناخالص ملی (GNP) یا داخلی (GDP) کشوری به کل جمعیت (p) آن تقسیم شود، تولید ناخالص داخلی (ملی) سرانه به دست می‌آید. GDP سرانه معیار مناسبی برای مشخص کردن اوضاع اقتصادی مردم آن کشور است و می‌تواند تا حدودی قدرت خرید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نشان دهد. البته باید توجه داشت تولید سرانه اختلاف درآمدها را نشان نمی‌دهد و هرگاه تولید سرانه در دو کشور برابر باشد، کشوری که اختلاف درآمد کمتری داشته باشد، دارای اقتصاد سالم‌تر و توسعه‌یافته‌تری است. نکته دیگر اینکه تولید سرانه همان درآمد سرانه است و از این نظر قدرت بالفعل تولید سالانه اقتصادی هر یک از افراد کشور را نشان می‌دهد. رشد اقتصادی پدیده‌ای کمی است و نتیجه آن، افزایش میزان تولید واقعی در شرایط ثابت بودن جمعیت است و رشد تولید سرانه معیار اندازه‌گیری آن به شمار می‌آید. درآمد سرانه می‌تواند معیار مناسبی برای مقایسه اوضاع اقتصادی کشورهای مختلف با یکدیگر باشد؛ ولی این معیار به‌طور مطلق حاکی از توسعه‌یافتگی و پیشرفت اقتصادی کشورها نیست؛ زیرا باید عوامل دیگری مانند سطح و هزینه زندگی، شیوه توزیع درآمدها، احتیاجات و مشکلات هر کشور، تمایلات و عادات مصرفی، ضریب پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در نظر گرفت. رعایت این ضوابط تا حدودی درآمد سرانه را به حقایق اقتصادی کشور نزدیک‌تر، و موضوع مقایسه را واقعی‌تر می‌کند.
۳. براساس تقسیم‌بندی بانک جهانی، کشورهای با سطح درآمد سرانه کمتر از ۷۴۵ دلار، در شمار کشورهای "درآمد پایین" (Low Income)، درآمد سرانه بین ۷۴۶ تا ۲۹۷۵ دلار "متوسط به پایین" (Lower Middle Income)، درآمد سرانه بین ۲۹۷۶ و ۹۲۰۵ دلار "متوسط به بالا" (Upper Middle Income)، و درآمد سرانه بیش از ۹۲۰۶ دلار در گروه کشورهای "درآمد بالا" (high Income) قرار می‌گیرند.
۴. در مورد برخی کشورها به‌ویژه تولیدکننده و صادرکننده نفت، رقم مهمی از صنعت (کل) به اکتشاف و تولید نفت خام وابسته است و سهم فرآوری و کالاهای ساخته شده در GDP بسیار کم است؛ به همین منظور به شاخص سهم ارزش‌افزوده صنایع کارخانه‌ای (ساخته شده صنعتی) از GDP تأکید شده است.
۵. بالابودن سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده توسعه‌نیافتگی این اقتصادهاست؛ زیرا مسلط بودن کشاورزی در اقتصاد این کشورها گویای نازل بودن سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی این کشورهاست که همچنان اقتصاد این کشورها را در مرحله قبل از صنعتی شدن نشان می‌دهد.
۶. شامل حمل‌ونقل، مسافرت، ارتباطات، ساختمان، خدمات اطلاعاتی و کامپیوتر، بیمه، خدمات مالی، هزینه پروانه (جواز) و حق امتیاز، و سایر خدمات بازرگانی، تفریحی، فرهنگی و انسانی.

منابع

- حسینی، میرعبدا...، و همکاران. (۱۳۸۶). *بررسی و شناسایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تجاری ج.ا.ایران در قاره آفریقا*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- گمرک ج.ا.ایران. *سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران* سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴.
- World Bank. (2004) *World Development Report 2003/2004*.
- Sheila, Page. (2000). *Regionalism among Developing Countries*. Macmillan Press Ltd. Overseas Development Institute. London
- UNCTAD. (2006). *World Investment Report, FDI from Developing and Transition Economies: Implications for Development*. United Nations, New York and Geneva.
- UNCTAD. (2006). *Handbook of International Trade and Development Statistics*. <<http://www.UNCTAd.Org>>
- *World Development Indicators*. (2005). [CD-ROM].
- <<http://www.heritage.org/search>>
- IMF (International Monetary Fund). (2006). *Direction of Trade Statistics Quarterly*, IMF. Washington, DC MARCH 2006< <http://www.ifm.org>>
- <<http://www.worldbank.org>> /Data/Country Data/...PDF
- UNCTAD. (2006). *World Investment Report*.
- UCDP, HDR (2006). *Human Development Indicators*.
- UN. *Yearbook of International Trade Statistics*.
- World Trade Organization.
- UN. *DESA Population Division*. UN DESA Statistics Division.
- *Africa Economic outlook 2005/2006* ISBN- 92-64-022449-X, OECD 2006-1.
- *U. S. African Trade Profile*, j. Diamond, Market Access & Compliance/ office of Africa, march 2007.

پژوهشگاه بین‌المللی
پرتال جامع علوم انسانی